

روزنامه ایران؛ خنثی کننده هجمه‌ها

این روزها از مطبوعات به عنوان «رکن چهارم نظام‌های مردم‌سالار» یاد می‌شود. امروز رسانه‌ها راهنمای افکار عمومی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند و نقش آنها بر کسی پوشیده نیست. روزنامه ایران نیز به عنوان یک رسانه نوشتاری از چنین امری مستثنی نیست. فعالیت روزنامه ایران در دوره‌ای شروع شد که دولت سازندگی از پشتیبانی و حمایت صدا و سیما نیز برخوردار بود. بنابراین در حاشیه کار صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی، یک

کار حرفه‌ای رسانه‌ای دیگر هم شروع شد که شامل گسترش فعالیت‌های خبرگزاری ایرنا، ایسنا و ایجاد نشریات جدید بود. اما از دوره‌ای به بعد پس از آن که جهت‌گیری سیاسی و رویکرد صدا و سیما نسبت به دولت آقای هاشمی تغییر کرد، شرایط انتخاب‌ها و تصمیمات دیگری را اقتضا می‌کرد. در این دوره یعنی مشخصاً دوره دوم ریاست جمهوری آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، دستگاه اطلاع‌رسانی و ابزار اطلاع‌رسانی درباره دستاوردهای دولت، به آن



عبدالله رمضان‌زاده
سخنگوی دولت اصلاحات

چیزی منحصر می‌شد که صدا و سیما تمایل داشت پخش کند. در این دوره صداوسیما، نه صداوسیمای ملی، بلکه به عنوان صداوسیمای رئیس وقت این سازمان شناخته می‌شد و معروف شده بود. در چنین شرایطی، این کار حرفه‌ای روزنامه ایران بود که باعث شد دولت یک رسانه قوی داشته باشد. این رسانه قوی در قالب یک روزنامه و در اندازه روزنامه ایران بسیار مؤثر بود، هرچند که به فراگیری صداوسیما نبود. اما دولت وقت با همین رسانه و ظرفیت توانست دستاوردهای خود را به مردم منعکس و سیاست‌های خود را برای آنان تبیین کند.

روزنامه ایران هر چند دولتی بود، اما در ابتدای کار خود با هجمه‌هایی مواجه شد. در کنار این هجمه، مشکلات دیگری هم دیده می‌شد، مانند اختلاف نظر روزنامه ایران و خبرگزاری ایرنا که مشهود بود و چیزی نبود که بتوان آن را پنهان کرد. اما در نهایت به دلیل فعالیت و اخلاق حرفه‌ای دوستانی که در روزنامه ایران حضور داشتند، این رسانه نوشتاری توانست تیراژ بالا را کسب کند. به گونه‌ای که در دولت اصلاحات که جهت‌گیری‌های صدا و سیما به صورت جدی در مغایرت و مخالفت با دولت وقت بود، روزنامه ایران توانست نقش بسیاری در خنثی‌سازی تبلیغات و هجمه‌های ضد دولت آقای خاتمی و جریان اصلاحات ایفا کند.

به طور قطع می‌توان گفت در دولت سید محمد خاتمی، روزنامه ایران نقش مؤثری در تقویت جریان اصلاحات داشت. اما بعد از دولت اصلاحات از نقش این رسانه کاسته و عملاً به عنوان یک دستگاه خبررسانی حاشیه‌ای مطرح شد. بدین ترتیب در دولت نهم و دهم، زمانی که روزنامه ایران با صدا و سیما هم جهت شد و حتی در یک نگاه کلان‌تر، همه ارکان تبلیغاتی، یکدست و یک جهت شدند، این امر به جای ارتقا، باعث کاهش ظرفیت و جایگاه روزنامه ایران شد. به گونه‌ای که در این دوره ارزش وجودی و جایگاه سیاسی روزنامه ایران کاسته شد. این امر در دولت حسن روحانی نیز مشهود بود و روزنامه ایران در این دوره هم نتوانست به آن جایگاه و ظرفیتی که لایقش بود، برسد. با این حال، امروز که در دوره ابتدایی دولت آقای مسعود پزشکیان قرار داریم، امیدواریم یک تیم حرفه‌ای بتواند روزنامه ایران را به جایگاه قبلی خود برگرداند.

حفاظت از محیط زیست بدون رسانه امکان‌پذیر نیست

اصل ۵۰ قانون اساسی، وظیفه حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای همگانی خوانده است. این اصل مترقی که با دوراندیشی و جامع‌نگری ویژه‌ای تدوین شده است، به خوبی پیش‌بینی کرده که سپردن وظیفه حفاظت از محیط زندگی انسان و زیرساخت‌های حیاتی به یک نهاد یا دستگاه کافی نیست، چرا که ابعاد محیط زیست و تهدیدهای روزافزون آن به قدری زیاد است که جز با بسیج همگانی نمی‌توان از آن حفاظت و صیانت کرد.



شینا انصاری
رئیس سازمان حفاظت محیط زیست

پرو واضح است که هرچا صحبت از امور «همگانی» می‌شود، نیاز به ایجاد درک مشترک، آموزش، اطلاع‌رسانی و از همه مهم‌تر اعتماد است؛ اعتمادی که با صداقت و جریان آزاد اطلاعات تقویت می‌شود و با ارائه واقعیت‌ها به دور از مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و جناحی، مشارکت را به ارمغان می‌آورد. امروزه پس از چندین دهه فعالیت در سطوح مختلف قانونگذاری، دیپلماسی، اجتماعی و اقتصادی، جامعه جهانی به این نتیجه رسیده که حفظ زیرساخت‌های حیات، تنها و تنها با مشارکت امکان‌پذیر است؛ مشارکتی که در سطح آحاد جامعه، چه در سطح فعالان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و چه در سطح تصمیم‌گیران و حکمرانان، تنها در این صورت است که می‌توان به آینده امیدوار بود.

شاید در دنیای امروز، رسانه مهم‌ترین نقش را در میان ابزارهای آگاهی‌رسانی و اعتمادسازی بازی کند؛ نقشی که حتی اگر گاهی ایفای آن به مذاق سیاستمداران و حکمرانان خوش نیاید، می‌تواند زمینه را برای نزدیکی تصمیم‌گیران و جامعه فراهم کند. آنجا که این پل ارتباطی قادر است واقعیت‌های جامعه را به مخاطبان خود نشان دهد و فرصتی برای اندیشیدن و همکاری در زمینه رفع مشکلات و بهبود اوضاع فراهم کند، نقطه آغاز مشارکت است. به نظر می‌رسد رسانه‌ها در جهت وظایف ذاتی خود این اقدام را به خوبی انجام داده‌اند و در این سال‌ها، رسانه‌ها -چه مکتوب، چه غیرمکتوب و چه شبکه‌های اجتماعی- توانسته‌اند بسیاری از مشکلات کشور را بیان و برای رفع آنها تلاش کنند.

سازمان حفاظت محیط زیست تاکنون از این کارکرد رسانه‌ها بهره‌های فراوانی در راستای رسالت و اهداف خود برده است و در دوره جدید نیز سیاست تقویت ارتباط خود با رسانه‌ها را پیگیری می‌کند. چون این باور که «جامعه، جزئی جدایی‌ناپذیر از فرآیند حفاظت محیط زیست است»، باوری پرنرگ و ریشه‌دار در این سازمان است. رسانه، یکی از پل‌های ارتباطی مستحکم ما با جامعه است و بدون رسانه، تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.



انصاری:

جامعه، جزئی

جدایی‌ناپذیر از

فرآیند حفاظت

محیط زیست

است»، باوری

پرنرگ و ریشه‌دار

در این سازمان

است. رسانه، یکی

از پل‌های ارتباطی

مستحکم ما با

جامعه است و بدون

رسانه، تحقق اصل

پنجاهم قانون

اساسی امکان‌پذیر

نیست